



اشاره:

نماز ستون دین است و با قبولی آن، سایر اعمال پذیرفته خواهد شد و چون «کل شیء من عملک، تبع صلاتک» پس اسرار نماز هم ستون رازهای دین است. کسی که با خداوند، مناجات حقیقی می کند هیچ گاه و در هیچ حالتی او را از یاد نمی برد... ایستاده، نشسته، به پهلو و پشت خوابیده و در همه حال به یاد اوست!

قیام

حالت ایستادن، نیرومندترین حالت انسان است، به همین دلیل از شکیبایی، بردباری، تلاش، جهاد و اجتهاد به «قیام» تعبیر می شود. راز قیام در ایستادگی مقابل هر برای آشکار و اعلام آمادگی پیکار با دشمنان است آن هم با نیرویی که او را بترساند. قیام، نمایانگر حالتی است که بنده به واسطه آن می تواند با سرعت به سمت نیکی ها برود... این حالت، بهترین وجه برای امامت است و به همین دلیل کسی که به پا خیزد و برای پروردگار پایداری کند، فرشتگان بر او فرود خواهند آمد و او را به ولایت نوید می دهند، ولایتی که ترس و اندوه را از بین می برد...

ستون رازهای دین

زهره احمدی



رکوع

در برابر پروردگار، هر ایستادگی چون افتادن، هر استقامتی خمیدگی و هر گردن کشی ای، شکستگی است. زیرا هر زنده ای نسبت به او مرده و هر دانایی نسبت به او نادان است... هر چیزی نسبت به خداوند باقی فناپذیر، فانی شدنی است. خمیدگی در حال رکوع، نمادی از کرنش نسبت به فرامین خداوند است. «خداایا! به سمت تو آمدم؛ هر چند گردنم را بزنی!» همچنین سر بلند کردن از رکوع و گفتن «سمع الله لمن حمده» به این مضمون است که: «آن کسی را سپاس می گویم که مرا از نیستی به هستی آورد.»

سجده

ارتباط میان دو سجده در نماز به «تفخ صور» های الهی برمی گردد و مراحل زندگی انسان از دنیا تا قیامت است. معنی سجده اول این است که: «خداایا! مرا از زمین و خاک آفریدی... وقتی سر از سجده دوم برمی داریم یعنی: «مرا از زمین بیرون آوردی» و معنی برداشتن از سجده دوم برای آن است که به خود تلنگر بزنی: «بار دیگر مرا از خاک بیرون می آوری (روز قیامت)» رکوع و سجود هر چند در اصل خود یعنی اعلام زبونی و ذلت در برابر پروردگار، مشترکند. اما سجده چون افتاده تر از حالت رکوع است، این آمادگی را به وجود می آورد که بنده به رب خویش نزدیک تر شود.



ملکوت نهان

مقدمه

انگار همین دیروز بود... سجاده سفید و چادر مقنعه جشن تکلیفم را از مامان و بابا هدیه گرفتم... اولین نماز بعد از تکلیف شدن، آن هم با رعایت تمام سفارش‌هایی که مامان و مسئول امور تربیتی مدرسه کرده بودند.

هنوز صدای بابا در گوشم است؛ همین که قامت نماز را بستم گفت: «ماشاءالله به دخترم... آفرین!! من چطور شکر خدا را به جا بیارم برای چنین دختری؟!»

آن قدر حرف‌های بابا شیرین بود که هنوز طعم دوست داشتنی آن را با خود دارم...

یا حرف‌های مامان که: «تو الان بزرگ شدی، مثل من!... باید تمام کارهای خودت را به موقع و درست انجام دهی... بخصوص نماز» روزگار گذشت تا حالا که برایم مهم شده بدانم علت کارهایم را. حتی علت حجاب در زمان نماز خواندم را.

پدر به من آموخت نماز «ملکوت نهان»^۱ میان من و خداست و می‌توان از این راه راحت با او رابطه برقرار کرد. مامان می‌گوید در هر رابطه‌ای باید حق و آداب هم‌صحبتی و معاشرت را رعایت کرد، و من خوب می‌دانم که هیچ رابطه‌ای مانند نماز حرمت ندارد و برایم ارزشمندتر نیست.

از آن‌جا که زیبایی‌های من دختر از دیگر موجودات بیش‌تر است و ظرایف وجودی‌ام به دیگران غالب است. پس باید زیبایی‌هایم را تنها برای او خرج کرده و از غیر از او اجتناب کنم و مطابق با امیال او رفتار کنم.

چادر نمازم را سر می‌کنم و خودم را در ملکوت نهان غرق می‌کنم و همه جسمم را به جز گردی صورت و کفین را می‌پوشانم. او امر کرده است که بر زنان واجب است که همه تنش و زیبایی‌های جسمی‌اش را از نامحرمان بپوشانند!

هنگام نماز همگان نامحرام‌اند جز تو که محرم دل هستی و وظیفه است که خود را حفظ کنم از غیر تو... از جن و انس و آدمیزاد و... حرمتت را حفظ می‌کنم و هم کلام می‌شویم.

منابع:

۱. کتاب رازهای نماز، آیت‌الله جوادی آملی.
۲. سوره شوری، آیه ۵۱.

پرونده ویژه



قنوت

از جمله نشانه‌های خضوع، قنوت است. زیرا قنوت ترک محبت دنیا و ناامید و گدایان درگاه خویش را مایوس نمی‌کند. آرزومندانش را ناامید و گدایان درگاه خویش را مایوس نمی‌کند. امام صادق (علیه السلام) درباره اهمیت قنوت می‌فرمایند: «من ترک القنوت متعملاً فلا صلاه له» یعنی بدون قنوت نماز کامل نیست. زیرا هدف نماز، هدایت فراگیر و پیروی کامل است و قنوت مظهر بریدن از دنیا و پیوستن به معبود است و سبب کمال نماز بوده و اگر ترک شود، نماز کمال خود را از دست می‌دهد.



تشهد

نشستن در هنگام تشهد بر جانب چپ و بالاتر قرار دادن پای راست و نشستن روی نشیمن گاه چپ؛ به این معنی است که به قلبیت بگذرانی: بار خدایا! حق را بر پا داشتیم و باطل را می‌رانند. البته نحوه نشستن در تشهد استجابی است و تأویل این گونه نشستن - چنان که در روایات آمده «اللهم أمت الباطل و أقم الحق» - این است که «راست» مظهر حق و راستی، و «چپ» کنایه از باطل و دروغ است. پس تشهد، تجدید ایمان، بازگشت به اسلام و اقرار به برانگیخته شدن پس از مرگ است.

منابع:

۱. جامع‌الاحادیث الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۹
۲. همان، ص ۳۴۰
۳. سوره فصلت، آیه ۳۰